

## کاوشی کیفی از علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۰۱

قاسم اسمعیلی<sup>۱</sup>

سیدعلیرضا افشانی<sup>۲\*</sup>

محمدحسین فلاح<sup>۳</sup>

سعید وزیری<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** یک مسئله اجتماعی در زمان واحد در جوامع مختلف، صورت‌های مختلف پیدا می‌کند، در جامعه و سرزمینی پذیرفته و پسندیده است و در جامعه‌های دیگر رد و ناپسند می‌گردد. مسئله چندهمسری یا تعدد زوجات از مسائل اجتماعی و فرهنگی است که علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن در جوامع مختلف، متفاوت خواهد بود. هدف مقاله حاضر، شناخت علل و زمینه‌های شکل‌گیری چندهمسری مردان در شهرستان سراوان بوده است.

**روش:** تحقیق از نظر روش، کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای بوده و مشارکت‌کنندگان با توجه به هدف مطالعه از میان جامعه در دسترس یعنی مردان دارای بیش از یک همسر در شهرستان سراوان به‌طور هدفمند انتخاب شدند و اطلاعات به وسیله مصاحبه نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری گردید. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته که پس از مصاحبه با چهارده نفر به اشباع نظری رسیده و جهت اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها را تا ۱۷ نفر ادامه داده و متن مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده و کدگذاری انجام و اطلاعات تحلیل شد.

**یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان داد که عوامل تشکیل‌دهنده چندهمسری شامل ۱۰ مقوله اصلی و یک مقوله هسته با عنوان «برانگیختگی روانی اجتماعی» است که در قالب مدل پارادایمی و خط داستان ارائه شدند. نتایج تحقیق نشان داد که ازدواج سنتی و غرایز جنسی به‌عنوان شرایط علی، مقصرانگاری همسر اول، نمای مذهبی، دو اقامت‌گاهی و تسهیل‌گری خانوادگی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، نمایش اقتدار، بسترهای آزادتعاملی، دل‌بستگی و توانایی مالی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای باعث بروز پدیده برانگیختگی روانی اجتماعی خواهد شد که در نهایت، استراتژی «گذار پُر گداز عینی و ذهنی از همسر اول» را بوجود می‌آورد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد نگرش‌های مذهبی در کنار مسایل مالی و بسترهای اجتماعی مطلوب، مهم‌ترین علل شکل‌گیری چندهمسری در بین مردان مورد مطالعه است.

**کلمات کلیدی:** چندهمسری، برانگیختگی روانی اجتماعی، ازدواج مجدد، مردان

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

\* نویسنده مسئول: [afshanalireza@yazd.ac.ir](mailto:afshanalireza@yazd.ac.ir)

۳. دانشیار گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۴. استادیار گروه مشاوره، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

## *Qualitative Exploration of the Causes and Context of Men's Polygamy*

Ghsem Esmaili<sup>1</sup>  
SeyedAlireza Afshani<sup>2\*</sup>  
Mohammad Hossein Fallah<sup>3</sup>  
Saeed Vaziri<sup>4</sup>

### *Abstract*

*Introduction:* social issues is accepted in one country and rejected in another one at the one. Polygamy is a social and cultural issue that its causes and formations differ in various countries. The purpose of this study is to identify reasons and how polygamy forms in Saravan city.

*Methods:* The method of this research was a qualitative type of ground theory. Participants were selected according to the aim of this study that they were Polygamy (Men who had more than one woman in Saravan city). The text Date was collected through semi-structured interviews. The interviews continued with theoretical saturation, after interviewing with 14 people, that theoretical saturation was achieved and interviews were continued for more than 17 people and then the text of interviews are coded on papers and their dates are analysed.

*Finding:* The results showed that the constitutive factors of polygamy consisted of 10 main categories and one core category called "socio-mental arousal" which were presented in the form of paradigm model and story line. The results showed that traditional marriage and sexual instincts as causal conditions, First wife's mistreatment, religious view, two-residence and family facilitation as intervening conditions, authority representation, free-lance, attachment and financial ability as contextual conditions. It will become a social psyche that will eventually create the strategy of "Severe Objective and subjective transition from first mate".

*Conclusion:* The results showed that religious attitudes along with financial issues and desirable social contexts are the most important causes of polygamy formation among men.

*Keywords:* Polygamy, Psycho-social Arousal, Remarriage, Men

---

1. Ph.D student, Department of Counseling, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.  
2. Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran  
\* Corresponding Author: afshanalireza@yazd.ac.ir  
3. Associate Professor, Department of Consultation, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.  
4. Assistant Professor, Department of Consultation, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

## مقدمه

بسیاری از موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در حال تغییر و دگرگونی هستند. روزی به شکلی و روز دیگر به شکلی دیگر ظهور و بروز می‌کنند. چنان که یک مسئله اجتماعی در زمان واحد در جوامع مختلف و از زمینه‌های گوناگون صورت‌های چندگانه پیدا می‌کند، در جامعه و سرزمینی پذیرفته و پسندیده می‌شود و در جامعه‌ای دیگر رد و ناپسند می‌گردد. مسئله چندهمسری یا تعدد زوجات از مسائل اجتماعی و فرهنگی است که در طول تاریخ، تابع زمان، جوامع و سرزمین‌های گوناگون بوده است (شجاعی، ۱۳۸۵). چندهمسری به طور مختصر به عنوان شکلی از ازدواج مطرح است که در آن فرد به طور همزمان بیش از یک همسر دارد. از لحاظ تاریخی، چندهمسری به صورت چندزنی و چندشوهری اجرا شده است که در چندزنی، مرد بیش از یک زن داشته و در چندشوهری، زن بیش از یک شوهر اختیار می‌کند، در مقابل در شکل تک‌همسری، فرد در یک زمان فقط یک همسر دارد (الکرناوی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ ساندرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). چندزنی در مقایسه با چندشوهری رواج بیشتری دارد و به نظر می‌رسد چندشوهری تنها در جوامعی وجود داشته است که در فقر شدید به سر برده‌اند و در آنها کشتن دختران رایج بوده است (نیکلسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

چندزنی تا اندازه‌ای در بسیاری فرهنگ‌های سنتی آفریقایی و کشورهای امروزه آفریقایی جنوبی و اغلب جنوب و مرکز آفریقا است، اجرا می‌شود. البته در بخشی از خاورمیانه کنونی و کشورهای مسلمان (ایران کمتر) بویژه عرب دیده می‌شود، حتی در سه چهارم جوامع سنتی ماقبل صنعتی وجود داشته است (کوئتر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). براساس تحقیقات موردک<sup>۵</sup>، چندزنی در بیش از ۷۵ درصد جوامع فعلی یافت شده است. قبل از اسلام، این رسم در میان تمامی ادیان الهی موجود در آن روزگار به جز مسیحیت وجود داشت. وستر مارک<sup>۶</sup> می‌گوید: در تلمود برای تعدد زوجات حدی معین نشده، ولی سفارش کرده است در صورتی که مردی اقدام به چنین عملی کند، باید بتواند آن‌ها را به درستی تأمین نماید و فرد عادی بهتر است چهار زن و افراد عالی مقام، هشت زن بگیرند، اما اذعان دارند که خداوند برای آن حدی قرار نداده است (احمد طه، ۲۰۰۳، به نقل از اسمعیلی، ۱۳۹۱) علاوه بر این مطالعات نشان می‌دهند که عوامل بی‌شماری از جمله زمینه و ریشه‌های فرهنگی و قدرت‌طلبی دارند علی‌نقیان و روستاخیز (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند چندهمسری یا به عبارتی چندزنی در بلوچستان امری کاملاً پذیرفته شده و جاافتاده است، چرا که در بسیاری موارد تعداد فرزندان و در نتیجه قدرت

- 1- Al-Krenawi- A
- 2- Sanderson
- 3- Nicholson
- 4- Coontz
- 5- Mordock
- 6- Wester mark

اجتماعی و اقتصادی خانواده، تیره و نهایتاً طایفه را افزایش می‌دهد. این امر را باید در برابر موقعیت زنان بلوچ در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی، وابستگی مالی آنها، عدم حمایت حقوقی از طلاق و جدایی زن و فقدان پشتیبانی‌های اجتماعی قرار داد. به علاوه گستردگی این الگوی خانوادگی بیشتر از آنکه ناشی از سن و سال و یا میزان ثروتمندی مردان باشد، زمینه و ریشه‌های فرهنگی دارد و آن را نمی‌توان به یک تیره یا طایفه یا طبقه اجتماعی خاص محدود دانست. و اینکه تصمیم به چندهمسری عموماً تصمیمی یک طرفه و از طرف مردان است، اما زنان نیز در این میدان عاملانی صرفاً منفعل و پذیرا نیستند، چراکه استراتژی‌های مبتنی بر جبران و انتقام، مراتبی از کنش‌ورزی را به آنها عطا کرده تا در برابر این ساختار خانوادگی به مقاومت خاموش و غیررسمی دست زنند. تقی‌زاده و حمیدی سوها، (۱۳۹۶) گزارش دادند علل درخواست ازدواج مجدد برای اخذ اجازه از دادگاه از سوی زوج عبارتند از نداشتن فرزند ذکور ۷/۱۴ درصد، سوء رفتار زوجه ۷/۱۴ درصد، عسر و حرج با ۷/۱۴ درصد، تمکن مالی زوج با ۱۴/۲۸ درصد، رضایت زوجه، ۱۴/۲۸ درصد و عدم تمکن زوجه با ۵۰ درصد است. رضازاده (۱۳۸۷) نیز به این نتیجه رسید که متغیرهای مستقل موثر بر چند همسرگزینی را، میزان تحصیلات مرد، نوع شغل مرد، تحمیلی بودن ازدواج با همسر اول، نارضایتی مرد از خانواده زن اول خود، علاقه مرد به چندهمسرگزینی، نازا بودن زن اول، دخترزا بودن زن اول و بیماری زنان تشکیل می‌دهند. ناستی زایی (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان داد عوامل ثروتمند بودن مردان، عادی بودن چندهمسری، مشکلات جسمانی و رفتاری زنان، الگو قرار دادن پیامبر و کاهش فساد اخلاقی در تعدد زوجات موثر است. نتایج پژوهش عارف نظری و مظاهری (۱۳۸۴) نیز بیانگر آن بود که سبک‌های دلبستگی ایمن در هر دو گروه (تک‌همسر و چندهمسر) رایج بوده است و سبک‌های دلبستگی نا ایمن نمی‌توانند عامل تعدد زوجین افراد باشند و این رفتار با الگوی دلبستگی ایمن ارتباط بیشتری را نشان داده است.

کرویکس و ماریانی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) تغییر شکل ازدواج از تعدد زوجات به تک‌همسری بستگی به وضعیت اقتصادی یک جامعه دو طبقه و افزایش سهم مردان ثروتمند دارد. جیمز<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) به این نتایج رسیده است که افت نامطلوب اقتصادی در زمان ازدواج و وقوع سیل و جنگ که در سطح ملی عمل می‌کنند، باعث افزایش شیوع تعدد زوجات شده است و از طرف دیگر افزایش تحصیل زنان در دهه اخیر نرخ چندهمسری را کاهش داده است. توبجانی و فلورا<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در بررسی خود دریافتند که در بیش از ۷۰ درصد جوامع شناخته شده چند همسری وجود دارد و در اکثریت خانواده‌های چند همسری ساختار خانواده از نوع مردسالاری بوده است که نقش مهمی در بوجود آمدن خانواده چند همسری در آن جامعه ایفا می‌کند و

1. Croixand & Mariani

2. James

3. Thobejane & Flora

همچنین اعلام داشتند که نوع فرهنگ و عقاید افراد جامعه باعث ماندگاری رسم چند همسری مردان شده است. اسپیتل<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود چندهمسری را به‌عنوان یک عمل از سوی مردان اینگونه تشریح کرد که اقتصاددانان در بحث‌های طولانی خود به سودمندی تعدد زوجات برای بسیاری از زنان اشاره کرده‌اند که خودشان آن را انتخاب می‌نمایند و دلیل آن را نابرابری توزیع منابع دانستند و در نتایج خود دلایل دیگر تعدد زوجات را بیشتر دانستن مردان بزرگسال نسبت به زنان و تفاوت جنسیتی دانسته است.

در شهرستان سراوان نیز مردان بدون توجه کافی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، اقدام به تعدد زوجات می‌نمایند که باعث وارد آمدن لطمه‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بنیان خانواده، روان جامعه، نظام اجتماعی و فرهنگ کشور می‌شود. گرچه چندزنی در این منطقه به دلیل سابقه تاریخی و عرف اجتماعی، مورد تشویق علمای مذهبی است، شیوع این سنت فرهنگی در گذشته بی‌ارتباط با سنت‌های خاص ازدواج در این منطقه نبوده است، زیرا نخستین ازدواج مردان بلوچ از سنین پایین آغاز می‌شد و فاصله سنی میان زوجین بسیار زیاد بوده و گزینش زن اول طبق سنت از اختیارات قطعی والدین محسوب می‌شده است (علی نقیان و روستاخیز، ۱۳۹۷). لذا پرداختن به موضوع چندهمسری و پیامدهای آن از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود و سوال این پژوهش این است که دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده چندهمسری مردان در شهرستان سراوان چیست؟

## روش

روش‌شناسی تحقیق حاضر، براساس پارادایم تفسیری، پیکربندی شده است. در پژوهش حاضر از روش نظریه‌ی زمینه‌ای و از رویکرد اشتروس و کوربین استفاده شده است. این روش با تجربه و فهم مشارکت‌کنندگان همراه است. این امر با هدف پژوهش که دستیابی به معانی ذهنی مشارکت‌کنندگان است، سازگاری دارد. در مرحله اول پژوهش، مشارکت‌کنندگان با توجه به هدف مطالعه که تبیین چندهمسری مردان است از میان جامعه در دسترس یعنی مردان چندزنی در شهرستان سراوان به‌طور هدفمند انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات به وسیله مصاحبه نیمه‌ساختار یافته صورت گرفت. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته که پس از مصاحبه با چهارده نفر به اشباع نظری رسیده و جهت اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها را تا ۱۷ نفر ادامه دادیم. مصاحبه با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط شد و بعد متون مصاحبه روی کاغذ پیاده و کدگذاری و تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام شد. سپس طبقه‌بندی و ادغام کدهای مربوط به هم، مفاهیم فرمول‌بندی شده و در درون دسته‌های خاص موضوعی قرار گرفتند و در زیر دسته یا زیر مفهوم قرار گرفتند و در نهایت

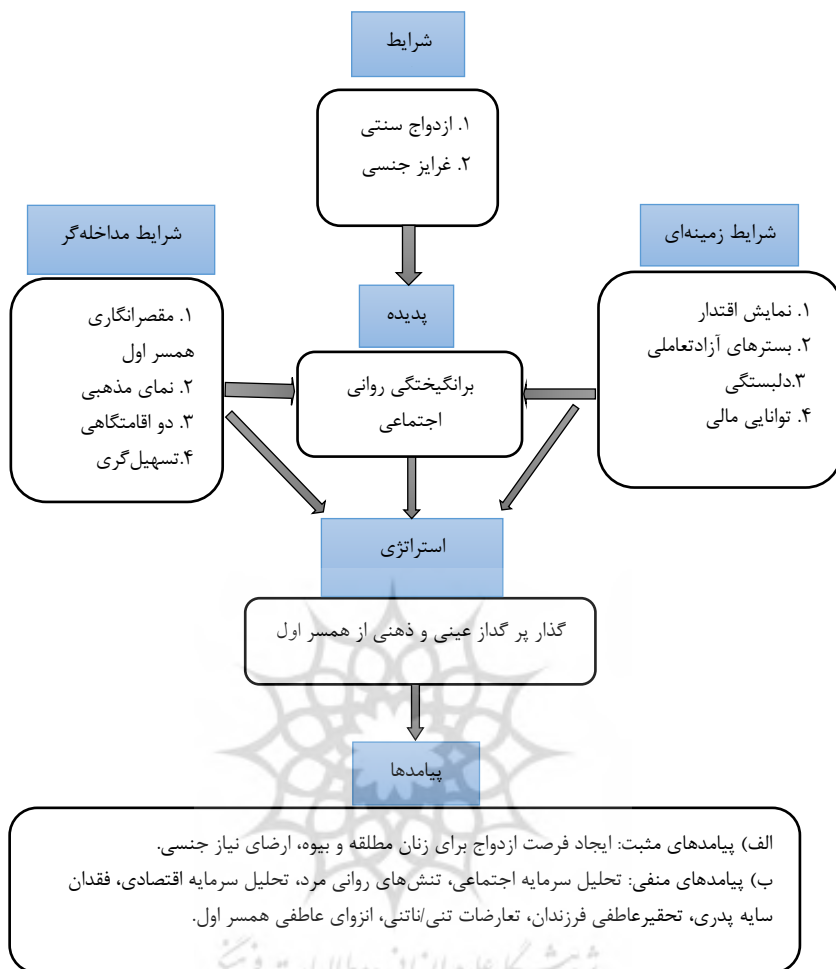
مفاهیم دسته‌بندی شده براساس هدف پژوهش، تقسیم‌بندی گردید و مدل پارادیمی مربوط به آن طراحی شد. قابلیت اعتماد یافته‌ها به وسیله‌ی روش‌های ۱. مشارکت طولانی و مشاهده‌ی مداوم در میدان تحقیق؛ ۲. بررسی همکاران؛ ۳. تأیید مشارکت‌کنندگان و ۴. توصیف غنی؛ تأیید شد. تأیید اتکاپذیری تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده‌سازی دقیق انجام گرفت.

### یافته‌ها

با بررسی دقیق متن مصاحبه‌گزاره‌های تحقیق، مفاهیم، مقوله‌ها و در نهایت مقوله نهایی، در فرایندی طولانی، دقیق و جزئی، مفهوم‌پردازی و ارائه شده است. در نتیجه این فرایند، مقوله هسته از ۱۰ مقوله و ۲۲ مفهوم برساخته شد. یافته‌های تحقیق در قالب مدل پارادیمی و خط داستان ارائه خواهد شد. به دلیل محدودیت حجمی، جداول فرایند استخراج مقوله‌ی پژوهش، حذف شده است.

### مدل پارادایم تحقیق

مدل پارادایمی، نشان دهنده فرآیندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه رخ داده است. مدل پارادایم شامل قسمت‌های مختلفی است که عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها. همچنین پدیده مرکزی نیز حول میانه مدل قرار گرفته است که فعالیت‌ها و جریان فرایندها حول آن شکل می‌گیرد. پویایی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پدیده مرکزی در پژوهش حاضر، «برانگیختگی روانی-اجتماعی» بوده است. یعنی مردان با توجه به شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، برانگیختگی روانی-اجتماعی برای چندهمسری پیدا می‌کنند. که استراتژی «گذار پُرگداز عینی و ذهنی از همسر اول» را بوجود می‌آورد. در ادامه مدل پارادایمی به‌طور مفصل بررسی می‌شود.



نمودار ۱. مدل پارادایمی علل و زمینه‌های شکل‌گیری و پیامدهای چندهمسری مردان

## خط داستان

با توجه به این که افراد در سنین نوجوانی هنوز به ثبات عاطفی لازم نرسیده‌اند، ممکن است در انتخاب خود عاقلانه تصمیم نگرفته و پس از ازدواج دچار پشیمانی شوند این به دلیل تغییر نگرش‌ها و رشد فکری افراد اتفاق می‌افتد و اینکه فرد اقدام به انتخاب همسر براساس پختگی و انتخاب آگاهانه می‌کند که همان چندزنی است.

قاسم می‌گوید: اولین ازدواجم در سن ۱۹ سالگی بوده است. ازدواج اول من بدون فکر و زود هنگام بوده است.

ازدواج خویشاوندی پدیده‌ای است که عمیقاً ریشه در فرهنگ برخی جوامع دارد. ازدواج‌های طایفه‌ای و فامیلی نیز در بین قوم بلوچ بسیار به چشم می‌خورد و می‌شود و شایع‌ترین شکل آن ازدواج بین اقوام درجه اول مثل دخترخاله و پسرخاله یا دخترعمو و پسرعمو است. چه بسا بسیاری از خانواده‌ها حتی پسران و دختران‌شان را از همان کودکی نامزد می‌کنند که به (نافبری) در بین آنها مشهور است. در چنین شرایطی فرد ممکن است به خاطر احترام به پدر و مادر و حفظ آبروی خانواده‌ها تن به ازدواج فامیلی و نافبری دهد اما در آینده‌ای نزدیک فرد از انتخاب و تصمیم اجباری خویش پشیمان خواهد شد و به گرفتن همسر دوم فکر خواهد کرد.

به طور مثال حمزه می‌گوید: *من با اصرار پدر و مادرم که از کودکی برایم تصمیم گرفته بودند با دختر عمویم ازدواج کردم.*

زومکزهی می‌گوید: پدرم به خاطر حفظ آبرویم تصمیم گرفت سر و سامانی به من بدهد و او ازدواج با دختر عمویم را با من مطرح کرد. وی در ادامه، موضوع ازدواج اجباری خود به فرد مورد علاقه‌اش را این گونه مطرح می‌نماید: *به زن دومم زمانی که هنوز ازدواج نکرده بودیم گفتیم: من یک زن دارم اما پدر و مادرم زمانی که من کوچک بودم او را به زور به من دادند.*

عبدالباسط در زمینه سنت‌ها و آداب منطقه بلوچستان در خصوص ازدواج در سن پایین و ازدواج‌های فامیلی نیز این چنین می‌گوید: *رسم منطقه ما اینجوریه که زن اول را پدر و مادرها انتخاب می‌کنند و زن دوم را خود فرد انتخاب می‌کند. ازدواج اول در فرهنگ ما این گونه است که با انتخاب خانواده‌های دختر و پسر است و ما چندان نقشی در انتخاب نداشتیم.*

برخی پدر و مادرها گاه با اصرار زیاد، فرزندان خود را به ناصواب سوق می‌دهند. از آن جمله: ازدواج‌های اجباری و ازدواج‌هایی که ملاک‌های مادی گرایانه موقت دارند که مختوم به طلاق یا اثرات دیگری همچون چندهمسری هستند.

قاسم این موضوع را این گونه مطرح کرده است: *مادرم با خواهرهایش در خصوص دامادی من و برادرم با نوه‌هایشان صحبت کرده بود و به من گفت شما را نزد نوه خواهرم داماد کردم.*

برخی از مردان بدلیل داشتن میل به تنوع‌طلبی و هیجان‌ناز کاذب و زودگذر گرایش به روابط متعدد دارند. آنها به زن به دیده «غنیمت جنسی» می‌نگرند.

به طور مثال عبدالملک می‌گوید: *انسان موجودی تنوع‌طلب است و به همین علت چشم‌چرانی می‌کند و به دنبال رفع تنوع‌طلبی است. و در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: مرد گرچه سه یا بیشتر زن داشته باشد باز هم تنوع‌طلبی‌اش تمام نمی‌شود.*

عبدالباسط می‌گوید: *من و مردان چندزنی به دنبال هوی و هوس بودیم و به این علت چند زن گرفتیم.*



برخی افراد پس از مدتی که از زندگی مشترک‌شان می‌گذرد با اینکه از همسرشان رضایت دارند، احساس می‌کنند برای زنده و باطراوت ماندن میل جنسی یا عواطف‌شان به روابط و جذابیت‌های جدیدتر نیاز دارند. اینگونه است که مردان خواهان تعدد زوجات با ویژگی‌های متفاوت خواهند بود. به طور مثال، عبدالملک در این زمینه می‌گوید: «وقتی من به بازار می‌روم و دختر و زن‌های دیگر را می‌بینم که جثه بزرگی دارند من یک کشش خاصی نسبت به آنها پیدا می‌کنم که کاش من هم یک زن اینجوری داشته باشم. زن‌هایم لاغر هستند، من آرزو دارم یک زن چاقی داشته باشم و رابطه جنسی با او را تجربه کنم».

با توجه به گفته‌های مشارکت‌کنندگان، یکی از گرایش‌های فطری، لذت‌طلبی و خوش‌گذرانی برای فرار از رنج‌ها است.

عبدالباسط در این زمینه می‌گوید: هدف من لذت دنیا بوده است و پیروی از سنت پیامبر، بهانه بوده است و یکی از لذت‌های دنیوی، زنان هستند که مرد به گرفتن چند تا زن اقدام می‌کند.

در این میان برخی از زنان با مشکل سردمزاجی مواجه می‌شود ولی به دنبال درمان آن نمی‌روند. این سردمزاجی سبب فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر می‌شود و برخی مردان برای طرف کردن نیازهای جنسی خود به جای درمان سردمزاجی همسران‌شان به برقراری رابطه با زنان دیگر گرایش پیدا می‌کنند.

عبدالستار می‌گوید: شب موقع خواب وقتی به زخم نزدیک می‌شدم و به او دست می‌زدم، او می‌گفت به من دست نزن. زخم یک گوشه‌ای بدون توجه به من می‌خوابید و خوابش می‌برد و من از این کار او زجر می‌کشیدم. رفتارهای زخم دیگر مثل سابق نبود و به نیازهای جنسی من اصلاً توجهی نداشت.

از آنجایی که زنان همیشه آمادگی جسمانی لازم جهت مقاربت و هم‌بستری را ندارند و هرماه چند روزی نیز دچار عادت ماهیانه می‌شوند و همچنین ایام بارداری، مرد جهت حفظ سلامتی مادر و بچه باید از مقاربت دوری کند تحت این شرایط مردان برای رفع نیاز جنسی خود اقدام به گرفتن زن دوم و یا بیشتر می‌کنند.

قاسم می‌گوید: وقتی زخم عادت ماهیانه می‌شد نمی‌دانستم چه کار باید بکنم.

علاوه بر آنچه گفته شد، یکی از مواردی که می‌تواند در زندگی تعادل یافته یک زوج، به صورت موقت اختلال ایجاد کند تولد فرزند است. تولد فرزند یکی از تغییراتی است که به میزان زیادی در روابط خانوادگی و ناشویی تغییر ایجاد می‌کند.

امیر می‌گوید: زخم روابطش دیگر مثل گذشته نبود و روابطش با من در اولویت کارش نبود و بیشتر وقتش را با بچه‌ها می‌گذراند.

تجزیه و تحلیل خط داستان مصاحبه‌شوندگان نشان‌دهنده آن است که دو مقوله اصلی یعنی ازدواج سنتی و غرایز جنسی عوامل اصلی شکل‌دهنده چندهمسری مردان در شهرستان سراوان را تشکیل می‌دهند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین نیازهایی که شخص بیش از پیش در خود احساس

می‌کند، نیاز به همراهی جنس مخالف است لذا مردان سعی می‌کنند این نیاز خود را از راه‌های مختلفی برآورده سازند.

قاسم نیز در این رابطه می‌گوید: با خانمم در کلاس درس در دانشگاه آشنا شدم و با او دوست شدم و هر روز ما با هم در تماس بودیم تا اینکه رابطه ما از تماس به ملاقات‌های حضوری همیشگی تغییر پیدا کرد».

عبدالباسط در خصوص آشنایی و ارتباط با همسر دوم خود می‌گوید: من با زن دومم در یک دفتر امور ارتباطاتی به مدت زیادی همکار بودیم که در این مدت ما با همدیگر دوست شده بودیم. عبدالملک نیز در این رابطه می‌گوید: در روستایی که معلم بودم دختری همیشه برای من آب می‌آورد و من با او صحبت می‌کردم که به مرور زمان از اخلاق و رفتار او خوشم آمد و به دنبال خواستگاری او افتادم.

همچنین زومکزی در این خصوص می‌گوید: یک روز برای رفع اتصالی ساختمان به خوابگاه دانشجویان دختر رفتم آنها من را مسخره می‌کردند و من نیز شماره خودم را برای آنها انداختم. دختری از دانشجویان که شماره را انداخته بودم تماس گرفت و ما با همدیگر دوست پسر و دوست دختر شدیم.

قاسم نیز می‌گوید: من توانستم دل او را به دست آورم و کم‌کم علاقه ما به همدیگر زیاد شده بود و رابطه پنهانی ما همچنان ادامه پیدا کرد و این رابطه پنهانی، دو تا سه سال طول کشید. و در این مدت تماس تلفنی و رابطه‌های پنهانی که با هم داشتیم واقعاً ما (من و زن دوم) به همدیگر وابسته شده بودیم و نقشه‌های برای زندگی آینده خودمان کشیده بودیم.

آنچه از نظرات مشارکت‌کنندگان برداشت می‌شود این است که در این گونه ارتباطها، هریک از طرفین ابتدا به حداقل‌ها راضی هستند و شاید هدفی جز سخن گفتن با یکدیگر ندارند؛ ولی هنگامی که رفاقت و معاشرت حاصل شد، دیگر به این حد قانع نیستند و خواهان ارتباط بیشتر می‌شوند.

عبدالباسط می‌گوید: وقتی در محل کار با هم بودیم، کم‌کم محبت او در دل من به وجود آمد. او را در خانهای در نزدیکی خانه‌ی زن اول سکونت دادم و اکثر اوقات برای دیدن او به آنجا می‌رفتم. زن دومم در محل کار پی برده بود که من او را دوست می‌دارم و عاشق و دلبسته او شده‌ام.

توان مالی نیز به‌عنوان یکی از ملاک‌ها برای چندهمسری مردان به شمار می‌رود. در این راستا امیر می‌گوید: برای ازدواج دوم ۶۰ سهر طلا<sup>۱</sup> مطالبه کردند، گفتم چشم می‌دهم. در مراسم عقد زن دوم بلافاصله ۳ میلیون از جیبم بیرون آوردم و بهشون دادم.

قاسم نیز در زمینه داشتن توانایی مالی برای ازدواج دوم می‌گوید: برایم شرط یک خانه‌ی مسکونی و ۲۰ میلیون مهریه و ۴۰ سهر طلا گذاشتند.

همچنین عبدالملک در این باره می‌گوید: یکی از خانواده‌ها شرایط را برای زن سوم شدن دخترش خیلی سخت گرفته است که من باید ۵۰ میلیون داشته باشم. اما من قبول نکردم و گفتم: مگر خون بهاء<sup>۱</sup> به شما بدهکار هستم.

افراد موافق **چندهمسری** عقیده دارند، اگر مردی توانایی مالی داشته باشد، می‌تواند در صورت اجازه همسر اول، همسری دیگر برگزیند.

عبدالعزیزی می‌گوید: به نظر من اگر مرد توان مالی و جانی داشته باشد زن دیگری بگیرد. در ادامه می‌توان خیانت را عاملی برای چند همسری دانست که به هرگونه هر گونه رابطه یا فعالیتی که در آن، فرد از روابط با یک فرد سوم لذت می‌برد اشاره دارد.

عبدالستار می‌گوید: خطای زن من باعث و علت شد که من زن دیگری بگیرم. بر اساس یک سری شواهد متوجه شدم زنم با همکارم رابطه نامشروع دارد و زنم شرایطی را به وجود آورد که من چاره‌ای به جزء گرفتن زن دوم نداشتم.

عامل دیگری که مشارکت‌کنندگان از آن یاد می‌کردند مسئله احترام و حفظ حرمت است. وقتی که درگیری‌های زوجین به مرحله بی‌حرمتی عمدی و لجاجت می‌رسد، شکل برانگیخته و پرهیجانی به خود می‌گیرد، که مملو از الگوهای رفتاری مبتنی بر بی‌احترامی است. متأسفانه در بیشتر روابط همسران دو مشکل اساسی وجود دارد: قدرت همسران برای کاهش عزت‌نفس یکدیگر در روابط، بیشتر از قدرتشان برای افزایش آن است و توجه آنها به حالات روحی و روانی یکدیگر اندک است.

عبدالباسط در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: زنم احترام من را به‌عنوان شوهر نگه نمی‌داشت و بی‌احترامی می‌کرد. زنم از برادرهایش طرفداری می‌کرد و آنها را بر من که شوهرش هستم ترجیح می‌داد.

یکسانی و شباهت فرهنگی میان زوجین و خانواده‌های آنان زمینه‌سازگاری و تفاهم بیشتر را فراهم می‌آورد. و تفاوت و عدم تجانس فرهنگی زوجین منجر به نارضایتی آنان می‌شود و شکاف‌های عمیقی را در روابط خانواده‌ها و زوجین ایجاد می‌کند. که این شکاف عمیق در قالب طلاق و یا گرفتن همسر دیگر (چندزنی) نمایان می‌شود.

عبدالعزیزی می‌گوید: طرز رفتار و برخورد زنم زمان رفتن نزد فامیل و آشنایان با آنها مورد قبول من نبود و در حد ابتدایی به نظر می‌رسید.

تعدادی از زوجین به دلایل مختلف صاحب فرزند نمی‌شوند. اما نداشتن فرزند دلیلی بر پایان دادن به پیوند زناشویی نخواهد بود و مردان بلوغ دست به گرفتن زن دوم می‌زنند.

امیر می‌گوید: به خانم‌گفتم، اگر تو بچه آوردی که آوردی و اگر نیاوردی من زن دیگری می‌گیرم تا بچه‌دار بشوم اما او چیزی نگفت.

قاسم نیز در زمینه بچه‌دار نشدن خود از همسر اول می‌گوید: «من هنوز بچه‌دار نشده بودم و حدود ۶ تا ۷ سال از ازدواجم می‌گذشت چندین مرتبه پیش دکتر و مولا نیز رفته بودیم و نتیجه نگرفته بودیم».

هر چه افراد به این مسئله با دید مذهبی‌تر نگاه بکنند بیشتر از رابطه نامشروع و خارج از چارچوب خانواده گریزان هستند و به دنبال راه‌حل‌های مذهبی برای مشکلات عاطفی، روحی و گاهاً جنسی زوجین هستند. قوم بلوچ به دلیل پابندی زیادی که به سنت و آداب دینی دارند با دیدی مذهبی نسبت به پدیده چندزنی می‌نگرند و این کنش را راه حل مشکلات خود می‌دانند.

عبدالملک می‌گوید: خدا نکند انسان زنا بکند، این خیلی بد است. امکان دارد یک نطفه حرام در شکم به وجود بیاید و از آن یک بچه به دنیا بیاید و خدای نکرده محارم در آینده با همدیگر ازدواج کنند و این بسیار ناپسند است. این بدون شوهری برای دختران و زنان بیوه و مطلقه خطرناک است و احتمال انحراف برای آنها وجود دارد زن‌هایی که اصلاً شوهر نکرده‌اند آنها هم حق دارند تا خدایی ناکرده به فساد کشیده نشوند.

در برخی از کشورهای مسلمان چندهمسری نسبتاً شایع است و مطابق آیات قرآن مجید اجازه تا چهار زن دائم و شرعی را به شرط رعایت عدالت حق خود می‌دانند.

به عنوان مثال عبدالعزیز می‌گوید: یکی از حکمت‌های خداوند متعال نیز همین بوده که دو، سه یا چهار زن بگیرید. حدیث پیامبر است که زن بگیرید و بچه‌دار شوید تا امت من زیاد شود. قرآن صراحتاً بیان کرده است که از ترس اینکه، اگر زن بگیرم و با او همبستر شوم و صاحب فرزندی بشوم و آیا فرزند درست تربیت شود یا خیر؟ و آیا نیازهای مالی‌اش تأمین شوند یا خیر؟ بر حذر باشید و آن را اصلاً در ذهن خودتان نیاورید. نصیح صریح قرآن اجازه دو، سه و چهار زن را به مرد داده است».

تجرد زنان و دختران جوان اینک به یک مسأله مهم تبدیل شده است. قوم بلوچ که با خصیصه غیرتی بودن آوازه دیرینه دارند خودشان به نحوی از بروز چنین مسائلی جلوگیری می‌کنند. مثلاً عبدالعزیز می‌گوید: من با یک بیوه ازدواج کردم که به مردم بفهمانم که هدف من عیاشی نبوده، بلکه رضای خداوند بوده است. سر پناه گرفتن و تأمین مایحتاج زندگی یک زن بیوه اجر و پاداش خداوند را برای من و مردانی که این کار را می‌کنند در پی خواهد داشت.

عبدالوهاب که دارای مدرک حوزوی است موضوع چندزنی خود را از دیدگاه دینی و اسلامی مطرح می‌کند و می‌گوید: اگر مردی توانایی مالی و جسمی داشته باشد و اقدام به گرفتن زن دیگر نکند خداوند از او راضی نمی‌شود و در مورد زنانی که بخاطر شوهر نکردن به فساد آلوده می‌شوند در روز قیامت بازخواست می‌شود.

در میان مردان بلوچ اثبات حرف و عملی کردن گفته‌هایشان از اهمیت خاصی برخوردار است و از این طریق اقتدارشان را به دیگران به ویژه به خانواده همسرشان متذکر می‌شوند. قاسم در زمینه عمل کردن به گفته خود می‌گوید: من به همه می‌گفتم: طبقه بالا خونه‌ام را برای این می‌سازم که می‌خواهم زن دوم بگیرم و الان دیگر همه می‌دانستند که من می‌خواهم زن دیگری بگیرم، پس راه برگشتی نداشتم.

عبدالمملک می‌خواهد اقتدار خود را به خانواده زن اول خود بفهماند، او می‌گوید: مادر خانمم قبلاً به من گفته بود: کسی با تو ازدواج نمی‌کند یعنی فردی حاضر نمی‌شود دخترش را به تو بدهد. در آن زمان، من با خودم گفتم: باید یک زن دیگر بگیرم و نشان بدهم افرادی هستند که حاضر می‌شوند من با دخترشان ازدواج بکنم.

زومکزه می‌گوید: چون قبلاً جایی که برای خواستگاری رفته بودم به من برجسب دیوانگی زده بودند، من با خودم گفتم، انشاءالله دیوانه خودش را خوب می‌کند اگر مردانگی داشته باشد. همچنین امیر می‌گوید: به خانمم گفتم: من می‌روم یک زن دیگر می‌گیرم، گفت: راه باز جاده دراز. برو بگیر، کی با تو ازدواج می‌کند. اگر من بگویم یک کاری را انجام نمی‌دهم، انجام نمی‌دهم، اما اگر بگویم انجام می‌دهم، خانواده می‌دانند که آن کار را دیگر انجام می‌دهم.

فقر بی گمان به وجودآورنده سختی‌ها و نامالایمات است. تنگدستی در خانواده باعث می‌شود تا والدین از عهده تهیه مخارج فرزندان شان برنمایند و هر چه سریعتر به فکر ازدواج آنها باشند. گاهی اوقات چون داماد مخارج زندگی پدر و مادر دختر را برعهده دارد آنها تهیه مخارج توسط داماد را به‌عنوان یک نقطه ضعف قلمداد می‌نمایند و در مورد پدیده چندهمسری به ناچار سکوت می‌کنند.

قاسم می‌گوید: مادر زن اول من همان شب عروسی با زن دومم پیش خانواده و اقوام زن دوم که در مراسم عروسی بودند آمد و رضایت خود را اعلام نمود.

امیر می‌گوید: «برای مراسم خانبندان با زن دوم، خود خانم اولم نیز آمد و تا آخر مراسم نشست. با توجه به فرهنگ قوم بلوچ، خانواده‌ها همچنان پایبندی شدیدی به آداب سنتی قدیمی خود دارند و در میان آنها همچنان طلاق منفورترین حلال شمرده می‌شود. والدین نیز فرزندان دختران خود را به مدارا در زندگی مشترک سوق می‌دهند.

عبدالباسط در این زمینه می‌گوید: پدر زنم دخترهایش را بخاطر دامادها می‌زند و نصیحت می‌کرد و می‌گفت: به هیچ عنوان فکر طلاق گرفتن از شوهر نباشید، با لباس سفید رفتید باید با لباس سفید از خانه شوهر بروید. پدر خانمم که فرد خوبی بود دخترش را که زنم بود را تشبیه کرده بود و به او گفته بود که به فکر زندگی باش و شوهرت را اذیت نکن و باهوش بساز.

خانواده‌های که دارای عملکرد مطلوب هستند مشکلات خود را در زمان بندی‌های خاص حل می‌کنند و از فلج و خشک نمودن فرآیندهای تعاملی در خانواده اجتناب می‌کنند. در حالی که خانواده‌های مشکل‌دار به انکار مشکل می‌پردازند و یا سعی می‌کنند آن را بر اساس منطق روزمره و شیوه‌های ناکارآمد و هیجانی حل کنند. شیوه حل مشکلات در خانواده‌های که پسرشان با همسر

خود مشکل زناشویی داشته و در حل آن مشکل عاجز شده‌اند نیز متفاوت خواهد بود اما همچنان خانواده حامی فرزند خود خواهد بود.

عبدالستار می‌گوید: بعد از مشکلی که زخم برایم بوجود آورد و به خانه بر نمی‌گشت همه افراد خانواده‌ام به من می‌گفتند تو برو زن دیگری بگیر ما حمایت می‌کنیم. خانواده‌ام به من گفتند برای گرفتن زن دوم اگر تو توان مالی نداری، ما تمام خرج عروسی را فراهم می‌کنیم و خانواده‌ام خودشان برای گرفتن زن دوم برای من به خواستگاری رفتند.

همچنین قاسم می‌گوید: مادرم خیلی تمایل به ترغیب من برای گرفتن زن دوم را داشت و همیشه به من گوشزد می‌کرد که دخترهای خوبی سراغ دارم. برادر بزرگم قبلاً نیز چندین بار پیشنهاد ازدواج با زن دوم را به من داده بود.

روابط متقابل میان والدین و فرزندان در گذر تاریخ، همواره بر پایه اصول اخلاقی و مذهبی استوار بوده است. به همین دلیل تا پیش از وجود مدنیت مبتنی بر قانون‌گذاری، روابط درون خانواده توسط والدین، به ویژه پدر مدیریت و کنترل می‌شد و مطلوبیت این رابطه مستقیم بستگی به پایبندی والدین به اصول اخلاقی و مذهبی داشت و فرزندان نیز پیروی از پدر را وظیفه می‌دانسته و در امورات نیز از او مشورت گرفته و او را در جریان کارهای خود می‌گذاشتند.

عبدالعزیز می‌گوید: در چندزنی من تمام افراد خانواده از جمله: پدر، مادر، خواهر و برادر حامی و پشتیبان من بودند و من را همراهی می‌کردند. پدر خدا بیامرزم به ما می‌گفت: پول‌های خودتان را ماشین و منزل نکنید، چون همه اینها فانی هستند بلکه با پولتان زن بگیرید چون آثار زن گرفتن باقی است.

امیر نیز می‌گوید: به پدرم، برای زن دوم پیشنهاد فلان دختر را دادم گفت: خوبه و ممانعتی نکرد و اینکه پدر و برادرهایم نیز با من بودند و من را برای ازدواج با زن دوم حمایت می‌کردند. سکونت‌های اجباری مردان به علت مسائل شغلی، سکونت در شهرهای دور از خانواده و مشکلات رفت و آمد باعث می‌شود که مردان منطقه بلوچستان متکی بر سنت دیرینه‌شان که داشتن چند همسر در زمان واحد است باشند و این عامل در تلاقی با عوامل دیگر راه برای گرفتن همسر دیگر را برای مردان منطقه هموار می‌سازد.

عبدالرزاق می‌گوید: محل کار من در روستای بم‌پشت بود و بدلیل بیماری مادرم نمی‌توانستم زخم را با خودم ببرم تصمیم گرفتم یک زن دیگری بگیرم. با گرفتن زن دوم مشکل رفت و آمد که جاده روستا خیلی خطرناک بود کمتر شد و حالا فقط روزهای تعطیل به سراوان می‌ام.

عبدالوهاب می‌گوید: برای کارم مجبورم مدتی در سراوان و مدتی در پاکستان باشم که این مدت گاهی اوقات خیلی طولانی می‌شود. با خودم گفتم اگر زنی از پنجگور<sup>۱</sup> بگیرم می‌توانم در امر

۱. شهر مرزی کشور پاکستان که در نزدیکی و همسایگی شهرستان سراوان از کشور ایران قرار دارد.

خرید و فروش اجناس‌ام از بستگانش کمک بگیرم و وقتی خودم نیز برای خرید و فروش به آنجا می‌روم مکانی برای سکونت نیز دارم.

در خصوص پیامدهای مثبت و منفی چندهمسرگزینی مردان مورد مطالعه، با توجه به حجم مطالب در مقاله حاضر به شرح یک نمونه از هر کدام از اثرات اشاره شده توسط افراد مورد مصاحبه، اکتفا می‌شود:

عبدالملک در خصوص اثرات مثبت می‌گوید: بعد از ازدواج دوم دیگر به سمت گناه نرفتم و احساس می‌کنم نیاز جنسی‌ام برطرف شده است. او در ادامه صحبت‌هایش در خصوص ایجاد فرصت ازدواج برای دختران مسن، زنان بیوه و مطلقه می‌گوید: در همین شهر، دختران پیر و زنان مطلقه و شوهرمرده‌ای هستند که دارند به فساد کشیده می‌شوند و کسی حاضر نیست با آنان ازدواج کند. آنان نیز با ازدواج مردان متأهل موافق هستند و می‌خواهند خانه و زندگی داشته باشند.

حمزه در خصوص وضعیت اجتماعی خود می‌گوید: در جامعه ما مردان چندزنی را با دید منفی می‌بینند و یک نوع تحقیر شخصیتی است و حالا رابطه من و خانمم با خویشاوندان و همسایه‌ها خیلی کمتر شده است.

عبدالباسط در خصوص اثرات اقتصادی می‌گوید: شروع ورشکستگی من، بستن همین خانه بود که قولش را به زن دوم داده بودم. در آخر هم مجبور شدم منزل زن اول و هم منزل زن دوم را فروختم.

امیر در خصوص فشارهای روحی و روانی خود و زن‌ها می‌گوید: زن‌ها نسبت به یکدیگر حسودی می‌کنند. خانم اول نسبت به من خیلی بدبین است. بعضی اوقات یک سری کاری‌هایی انجام می‌دهد اما من نمی‌توانم طلاقش بدهم. گاهی اوقات آدم اتصالی می‌کند که اصلاً وجود نداشته باشد. از نظر اعصاب‌خوردی، آدم را به هم می‌ریزند. گاهی اوقات آنقدر فشار می‌آید که آدم می‌خواهد خودش را آتش بزند. پیش این می‌روی به اون حرف و حدیث می‌گه. پیش اون می‌روی به این می‌گه. آدم می‌گه همه را سوار کن برو زیر تریلی تا خیال همه راحت بشه.

عبدالملک اثرات بر فرزندان را این گونه مطرح می‌کند: زن دوم گرفتی نباید بی فکر باشی، بچه‌دار می‌شوی، توی کوچه و خیابان رها می‌کنی که معضل اجتماعی دیگری به وجود می‌آید.

عبدالباسط می‌گوید: من نسبت به آینده بچه‌هایم نگران هستم، مانند قبل نمی‌توانم پیش آنها باشم و به وضعیت درسی آنها رسیدگی کنم.

عبدالعزیز می‌گوید: بچه‌ها اکثراً خود را با دیگران و همچنین با برادران ناتنی‌شان مقایسه می‌کنند و از عوارض بد چندزنی، پرخاشگری بین بچه‌ها است. من به خاطر مشغله‌های چندزنی نمی‌توانم در انجمن اولیاء و مربیان مدرسه شرکت کنم. انگ خوردن بچه‌ها در خانواده چندزنی که می‌گویند: این پدرشان چند زن دارد کجا وقت می‌کند که بیاید، جلب ترحم دیگران که به مراتب از تیغ شمشیر برای بچه‌ها بدتر است.

با توجه به تجزیه و تحلیل فوق می‌توان اثرات پدیده چندهمسری مردان را اینگونه برشمرد:  
 الف) پیامدهای مثبت: ایجاد فرصت ازدواج برای زنان مطلقه و بیوه، ارضای نیاز جنسی.  
 ب) پیامدهای منفی: تحلیل سرمایه اجتماعی، تنش‌های روانی مرد، تحلیل سرمایه اقتصادی، فقدان سایه‌پدیری، تحقیر عاطفی فرزندان، تعارضات تنی/ناتنی، انزوای عاطفی همسر اول.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق در خصوص تبیین چندهمسری مردان در علل، اعتقادات مذهبی و وابستگی مالی خانواده‌ها با تحقیق علی‌نقیان و روستاخیز (۱۳۹۷)، در علل سوء رفتار زوجه و توانایی مالی زوج با تحقیق، تقی‌زاده و حمیدی‌سوها (۱۳۹۶)، در علل، تحمیلی بودن ازدواج با زن اول با تحقیق رضازاده (۱۳۸۷)، در علل ثروتمند بودن مردان، اعتقادات مذهبی و الگو قرار دادن پیامبر، سوء رفتار زن اول و کاهش فساد با تحقیق ناستی‌زایی (۱۳۸۵)، در علل اقتصاد نامطلوب زنان با تحقیق جیمز (۲۰۰۳) و در علل اعتقادات مذهبی با تحقیق توبجانی و فلورا (۲۰۱۴) همسو است. همچنین نتایج این تحقیق با تحقیق محمدی و آسانی (۱۳۹۴) تحت عنوان مطالعه‌ی سلامت روانی مردان با تأکید بر سنت چندهمسری در شهرستان سرباز و اسمعیلی (۱۳۹۱) تحت عنوان مقایسه سلامت روان مردان در خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر، در زمینه فشارهای روحی و روانی و سلامت روان کمتر مردان چندهمسر، همسو است.

با توجه به گفته‌های مردان چندهمسر در مصاحبه‌های خود در خصوص وضعیت سلامت روحی و روان همسران خود می‌توان عنوان کرد که یافته‌های این پژوهش با یافته‌های سایر پژوهش‌های مرتبط با این موضوع از جمله: اعتمادی و ابراهیمی (۱۳۸۹)، زارعی، اروجی و رضائی (۱۳۸۸)، محمدی و شیخی (۱۳۸۷)، الکریناوی، گراهام و الغرابه<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، اوزکان<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، الکریناوی و گراهام (۲۰۰۶) و کوک و کلی (۲۰۰۶) همسو است. یافته‌های همه آنها به‌طور کلی حاکی از آن است که زنان در خانواده‌های چندهمسر فشار روحی و روانی زیادی را متحمل می‌شوند و از سلامت روان کمتری نسبت به زنان در خانواده‌های تک‌همسر برخوردارند.

مردان چندهمسر مورد مطالعه نیز از وضعیت نامطلوب فرزندان خود گزارش داده‌اند و می‌توان گفت که در زمینه تأثیر چندهمسری مردان بر فرزندان، نتایج این مطالعه با پژوهش‌های ریگی‌کوته و همکاران (۱۳۹۲)، زارعی، اروجی و رضائی (۱۳۸۸)، الشریفی، پفیفر و میلر<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) و کیمه<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) همسو است. همه آنها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که کودکان در خانواده‌های چندهمسری از منابع کمتر خانگی، مراقبت ناکافی والدین، محل اقامت، امکانات خانگی و عاطفی

1. Al-Krenawi, Graham & Al-Gharaibeh

2. Ozkan.m

3. Al-Sharfi, M., Pfeffer, K. and Miller, K. A

4. Gyimah S.O



برخوردار هستند و سطوح پایین‌تری از وضعیت اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت تحصیلی داشته و فرزندان خانواده‌های چندهمسری به‌طور زودرس در برابر زندگی توأم با استرس واقع می‌شوند. ازدواج در سن پایین، ازدواج فامیلی و ازدواج اجباری که مقوله ازدواج سنتی را تشکیل می‌دهند، باعث می‌شود تا مردان از ازدواج خود در گذشته ناخشنود شوند و در پی آن باشند که همسرشان را براساس خواسته خود زمانی که به استقلال و رشد فکری رسیدند، انتخاب نمایند. آنان که چند صباحی با مردم بلوچ معاشرت داشته‌اند به خوبی این قضیه را دریافته‌اند که پایین‌ترین سن ازدواج به این قوم اختصاص دارد. بعضی از ازدواج‌هایی که در این جامعه صورت می‌پذیرد، از نوع ازدواج‌های زودرس و تحمیلی می‌باشند و می‌توان اذعان کرد که بعضی از آنها ازدواج‌هایی هستند که پسران و دختران استقلال فکری ندارند. علاوه بر نداشتن استقلال فکری، استقلال و کفایت اقتصادی هم ندارند. پسر وقتی به سن پانزده یا شانزده سالگی رسید پدر و مادر به فکر ازدواج او می‌افتند و این در حالی است که به عقیده بسیاری از روان‌شناسان، سنی است که نوجوان، من یا شخصیت خود را تشخیص نمی‌دهد و چنین ازدواج‌هایی در آینده اثرات اجتماعی بسیاری بر خانواده و جامعه خواهند گذاشت، که یکی از این آثار آن انتخاب همسر خود با میل و علاقه است که منجر به چندزنی فرد در زمانی می‌شود که به استقلال فکری و کفایت اقتصادی برسد.

بعضی از مطالعات حاکی از این است که طلاق و جدایی در ازدواج‌های خویشاوندی کمتر است. البته حقیقت این مطلب بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که طلاق در ازدواج‌های فامیلی سخت‌تر از ازدواج‌های دیگر انجام می‌گیرد چرا که با جدایی دو نفر از هم، اغلب کل روابط خانوادگی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و ممکن است باعث از هم پاشیده شدن یک فامیل شود، و مرد برای اینکه از طلاق فامیلی و جدایی دو خانواده جلوگیری نماید، بهترین راه چاره را برای رفع مشکل و تهیه نیازهای خود «داشتن چند همسر» می‌بیند.

غرایز جنسی که دومین شرط علی در تحقیق می‌باشد باعث می‌شود که مردان بلوچ با توجه به اعتقادات مذهبی خود که عامل دیگر بروز پدیده چندهمسری است، به بدنبال راهی منطقی برای رفع این نیاز خود باشند که عاری از گناه باشد و برای فرار از گناه، راه حل منطقی را گرفتن زن دوم و یا داشتن چند همسر می‌دانند. از آنجایی که تعدد زوجات در این قوم و فرهنگ از قدیم بوده است و هم اکنون نیز به‌طور کم‌رنگ‌تر نیز وجود دارد، برخی از مردان بلوچ داشتن چند زن را نشانه‌ای از قدرت و اقتدار خود می‌دانند که این نیز مقوله‌ای دیگر برای بروز پدیده چندهمسری می‌باشد و این مردان می‌خواهند از این طریق به اطرافیان بفهمانند که توانایی مدیریت چند خانواده و زن را دارند. تاکنون شرح دخیل بودن عوامل ازدواج سنتی، غرایز جنسی به همراه اعتقادات مذهبی و نمایش اقتدار بیان شد.

همچنین روابط عاطفی خارج از چارچوب خانواده منجر به ایجاد و شکل‌گیری وابستگی بین طرفین رابطه می‌شود. که این وابستگی به جنس مخالف گرایش به چندزنی را تشدید می‌کند. رفع کمبودها و نواقص همسر برای برخی از مردان، دشوار به نظر می‌رسد و به جای حل این مسائل و

مشکلات، راه حل قدیمی و سنتی خود را که همان ازدواج مجدد یا گرفتن زن دوم است را عملی می‌نمایند تا از این طریق به خواسته خود رسیده و توانسته باشند اقتدار خود را به نمایش بگذارند. سادگی، فقر و فشار اقتصادی خانواده همسر و ازدواج به صورت فامیلی، در برخی خانواده‌ها می‌تواند آنان را به قبول اجباری زن دوم مردان وادار نماید. آمار نشان دهنده روند کاهشی چندهمسری مردان در ایران است. (البته این آمار نمی‌تواند آمار واقعی چندزنی باشد؛ زیرا بسیاری از ازدواج‌های دوم به بعد غیرقانونی صورت گرفته و آنها در هیچ جایی ثبت نمی‌شود). روند کاهشی چندهمسری به معنای آگاهی زنان از حقوق خود و کاهش ازدواج‌های سنتی بوده است. ازدواج مجدد برای مردان متأهل زمانی با سهولت بیشتری صورت خواهد گرفت که در کنار خود یار و یابوری نیز داشته باشند، دوستان و خانواده می‌توانند حمایت‌کننده او باشند.

اصولاً در کشور ما زنانی که همسرشان فوت شده، نسبت به زنان مطلقه، بیشتر شانس ازدواج مجدد دارند. از طرف دیگر در فرهنگ ایرانی، زندگی کردن زنان به تنهایی موجب نگرانی اطرافیان است. این گونه زنان در معرض انواع تعدی و تهمت می‌باشند. بنابراین طبیعی است وقتی که زنان مطلقه در چنین شرایطی قرار می‌گیرند، زندگی با زن دیگر را بر چنین زندگی مشقت‌باری ترجیح می‌دهند و همچنین چندهمسری در جاهایی که شمار دختران بیش از پسران است با رضایت انجام می‌گیرد بنابراین در برخی خانواده‌ها، والدین تصمیم بر موافقت به ازدواج، دختر بیوه و یا مطلقه خود با مرد متأهل خواهند گرفت. آنچه بیان شد بیانگر تاثیر گذاری عواملی مانند حمایت و جانبداری خانواده، دوستان و اطرافیان، خانواده همسر اول، ویژگی‌های خانواده همسر دوم را نشان می‌دهد. با توجه به شرح کلیه عوامل تأثیرگذار بر بروز پدیده چندهمسری مردان، می‌توان ادعا نمود که یک عامل به تنهایی باعث بروز این پدیده نخواهد شد بلکه مقولات و عوامل مختلف در حضور همدیگر در مردان باعث چندزنی آنان می‌شود، و این را نیز می‌توان مطرح نمود که عوامل تأثیرگذار در چندزنی مردان، متفاوت است بدین معنی که شاید یک یا چند مقوله یا عامل در مردی اثرگذاری آن بیشتر از مقولات و عوامل دیگر بوده است و در فردی کمتر و بالعکس.

## منابع

- اسعدی، سیدحسن. (۱۳۸۷). *خانواده و حقوق آن*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- اسمعیلی، قاسم. (۱۳۹۱). مقایسه کیفیت زندگی و سلامت روان مردان و زنان در خانواده‌های تک همسر و چندهمسر در استان سیستان و بلوچستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
- اعتمادی، احمد، ابراهیمی، جواد. (۱۳۸۹). مقایسه سلامت روان فرزندان خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری. *زن در توسعه و سیاست*، ۸ (۴)، ۲۴-۵.

- تقی‌زاده، محمد، حمیدی‌سوها، زهرا. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تعدد زوجات در حقوق و رویه قضائی ایران. *زن در فرهنگ و هنر*، ۹ (۲)، ۲۶۵-۲۸۹.
- رضازاده، علی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر چندهمسری گزینی مردان در منطقه باشت از توابع شهرستان گچساران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور واحد شیراز.
- ریگی کوته، بهزاد، بختیارنصر آبادی، حسنعلی، سپهری، فریبا، نصرتی هشی، کمال. (۱۳۹۲). بررسی ساختار خانواده برگرایش به رفتارهای پرخطر و ابعاد سازگاری (عاطفی، اجتماعی، آموزشی و کل) در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری. *اخلاق*، ۹ (۳۴)، ۲۰۵-۲۳۴.
- زارعی، اقبال، اروجی، سیمین، رضایی، پروین. (۱۳۸۸). مقایسه سلامت روان زنان در خانواده‌های تک همسر با زنان در خانواده‌های چند همسر در اهواز، کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده.
- شجاعی، اسحاق (۱۳۸۵). *اهداف ازدواج‌های بیابراکرم*، مجله سفیر، پیش شماره ۴. آدرس اینترنتی: <http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=259387>
- علی نقیان، شیوا، روستاخیز، بهروز. (۱۳۹۷). فهم پدیدارشناختی چندهمسری درمیان بلوچ‌های ساکن شهرستان چابهار. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۸ (۱)، ۹۵-۱۱۷.
- محمدی، نیما، آسکانی، خان محمد. (۱۳۹۴). مطالعه سلامت روانی مردان با تاکید بر سنت چندهمسری در شهرستان سرباز. *زن در فرهنگ و هنر*، ۷ (۲)، ۲۵۷-۲۶۸.
- محمدی، نیما، شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۷). گونه‌شناسی کشمکش در خانواده‌های چندهمسر. *تحقیقات زنان*، ۲ (۴)، ۲۱-۳۸.
- ناستی‌زایی، ناصر. (۱۳۸۵). عوامل موثر در تعدد زوجات از دیدگاه دانشجویان بلوچ. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۳ (۵)، ۶۳-۷۶.
- Al-Krenawi, A., Graham, J. R., & Al Gharaibeh, F. (2011). A comparison study of psychological, family function marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women in Jordan. *Community mental health journal*, 47(5), 594-602.
- Al-Krenawi, A. (2016). Polygamy and Mental Health: an International Perspective. *EC Psychology and Psychiatry*, 1(1), 1-3.
- Al-Krenawi, A., & Graham, J. R. (2006). A comparison of family functioning, life and marital satisfaction, and mental health of women in polygamous and monogamous marriages. *International Journal of Social Psychiatry*, 52(1), 5-17.
- Al-Sharfi, M., Pfeffer, K., & Miller, K. A. (2016). The effects of polygamy on children and adolescents: A systematic review. *Journal of family Studies*, 22(3), 272-286.

- Cook, R. J., & Kelly, L. M. (2006). *Polygyny and Canada's Obligations under International Human Rights Law. Family, Children and Youth Section, Department of Justice.*
- Coontz, S. (2006). *Polygamy: A Historical Background. Polygamy fact sheet, 8. www.contemporaryfamilies.org.*
- De La Croix, D., & Mariani, F. (2015). *From polygyny to serial monogamy: a unified theory of marriage institutions. The Review of Economic Studies, 82(2), 565-607.*
- Gyimah, S. O. (2005). *Polygamous Marital Structure and Child Survivorship in Ghana: Age Dependent Effect?. PSC Discussion Papers Series, 19(13), 1*
- James, F. (2013). *African polygamy: Past and present. Centre for the Study of African Economies, 20http:// mpra.ub.uni-muenchen.de/48526/.*
- Nicholson, B. (2006). *Women who shared husbaod, ploygnyin southem Albanian in the earley20th century newcas tleupon Tyne ne2 3de, uk. From http:www.elsevier.com/wps/find/homepage.*
- Ozkan, M., Altindag, A., Oto, R., & Sentunali, E. (2006). *Mental health aspects of Turkish women from polygamous versus monogamous families. International Journal of Social Psychiatry, 52(3), 214-220.*
- Sanderson, S. K. (2001). *Explaining monogamy and polygyny in human societies: Comment on Kanazawa and Still. Social Forces, 80(1), 329-335.*
- Scheidel, W. (2008). *Monogamy and polygyny in Greece, Rome, and world history. Rome, and World History (June 2008).*
- Thobejane, T. D., & Flora, T. (2014). *An exploration of polygamous marriages: A worldview. Mediterranean Journal of Social Sciences, 5(27 P2), 1058 -1066.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی